

سیمای حضرت زهرا(س) در روایات اهل تسنن

مجید معارف*

چکیده

شخصیت فاطمه زهرا(س)، در روایات اهل تسنن به عنوان بانویی جامع فضائل انسانی ترسیم شده است. روایات اهل سنت در فضائل فاطمه زهرا(س) اعم از روایات تفسیری و غیرتفسیری است. روایات تفسیری جایگاه آن حضرت را از منظر قرآن نشان داده و بیانگر شخصیت فاطمه زهرا(س) در تعابیر الهی است. در روایات غیرتفسیری ابعاد دیگری از شخصیت حضرت فاطمه با نقل رسول خدا (ص)، آشکار می شود. جمع بندی هر دو دسته از روایات آن که حضرت زهرا(س) در کانون اهل بیت پیامبر(ص) قرار داشته، معصوم از هر خطا، ضامن تداوم نسل پیامبر(ص)، آگاه به حقایق دینی، قاطع در دفاع از حق در دوران رسالت، مدافع حریم ولایت پس از رحلت پدر، محبوبترین شخص نزد رسول خدا(ص)، سرور زنان دو عالم و ... می باشند.

واژگان کلیدی

فاطمه زهرا(س)، فضائل، اهل بیت(ع)، عصمت، ذی القربی، کوثر، ولایت

* - دکترای علوم قرآن و حدیث؛ استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران

(۱) طرح مسأله

فاطمه زهرا(س) کوچکترین دختر رسول خدا(ص) بوده، در عین حال واجد فضائلی است که دیگر فرزندان پیامبر(ص) از آن بی بهره بوده‌اند. شناخت این فضائل و علل اختصاص حضرت زهرا(س) به آنها از جمله مسائلی است که ذهن هر انسانی را به خود جلب می‌کند؛ خصوصاً که این فضائل نقش مهمی در شناخت سیمای حضرت فاطمه(س) داشته و به طور گسترده نیز در منابع علمی فریقین نقل شده است.

(۲) گستره فضائل حضرت زهرا(س) در منابع اهل سنت

فضائل حضرت زهرا(س) در چند دسته از منابع اهل سنت وارد شده که برای پژوهشگران قابل توجه است؛ به شرح:

جوامع بزرگ حدیثی که غالباً در آنها ابوابی با عنوان: «مناقب فاطمه بنت رسول الله» و شبیه به آن به چشم می‌خورد (ر.ک. نیشابوری، ۱۳۷۴ق: ج ۴، صص ۱۹۰۶-۱۹۰۲؛ ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، صص ۶۵۸-۶۵۵؛ بخاری، ۱۴۰۷ق: ج ۵، صص ۸۵-۸۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، صص ۳۷۴-۳۶۱).

- تفاسیر اثری و جز آن که در آن مفسر ذیل آیاتی که درباره اهل بیت(ع) یا حضرت فاطمه(س) نازل شده، روایات متناسب را آورده است.^۱

- منابع تاریخی که در بردارنده زندگانی حضرت فاطمه(س) به شکل کامل یا ناقص است.

- منابع سیره و رجال، خاصه کتاب‌هایی که به درج سیره و زندگانی صحابه اختصاص یافته است.^۲

- منابع مستقل که در خصوص زندگانی حضرت فاطمه(س) تالیف شده است.^۱

^۱ - نک. «جامع البیان» طبری، «الدر المنثور» سیوطی، «تفسیر القرآن العظیم» ابن کثیر دمشقی و مجموعه‌ای از این روایات در کتاب «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایات النازلة فی اهل البیت صلوات الله و سلامه علیهم» از عبیدالله بن عبدالله معروف به حاکم حسکانی از علمای قرن پنجم هجری.

- ر.ک. ابن سعد، ۱۴۱۷ق: ج ۸، صص ۲۵-۱۶؛ جزری، ۱۴۰۹ق: ج ۳، صص ۲۲۶-۲۲۰.

- منابع خاص روایی مانند مسندهای حضرت زهرا(س) که به جمع روایات آن حضرت یا روایاتی که درباره ایشان وارد شده، اختصاص پیدا کرده است؛^۱ ضمناً روایات موجود درباره حضرت فاطمه(س) از جهتی به دو نوع: روایات تفسیری و روایات غیرتفسیری قابل تقسیم است که در این مقاله از هر دسته به ذکر تعدادی بسنده می‌شود.^۳

۲-۱) روایات تفسیری

مقصود از روایات تفسیری، آن دسته از روایاتی است که مفاد آن، قول و فعل رسول خدا(ص) را در توضیح آیات قرآن نشان می‌دهد. از آنجا که حجیت روایات و سنن پیامبر(ص) در آیات قرآن مورد تأکید قرار گرفته (نک. نجم، ۴-۲، نساء، ۵۹ و ۸۰؛ نحل، ۴۴؛ احزاب، ۳۶ و...) اعتبار شرعی این روایات بدیهی بوده، در نتیجه از مدارک مهم تفسیر قرآن به شمار می‌روند که از استناد به آنها گریزی نیست (ر.ک. العک، ۱۴۱۴ق: ص ۱۱۶؛ زرقانی، بی تا: ج ۱، ص ۴۸۱؛ دمشقی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۴؛ علی الصغیر، ۱۴۲۰ق: ص ۶۱؛ طوسی، بی تا: ج ۱، ص ۴).

پس از روایات نبوی، دانشمندان اهل سنت اقوال و نظرات صحابه را به عنوان روایات تفسیری آورده و به آن استناد می‌کنند، به این دلیل که صحابه در عصر نزول قرآن به سر برده، علوم و اطلاعات خود را از مقام رسالت آموخته و داناترین افراد به اوضاع و احوال جامعه و فضای نزول آیات بوده‌اند (دمشقی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۴؛ زرکشی، ۱۳۹۱ق: ج ۲، ص ۱۷۲؛ زرقانی، بی تا: ج ۱، ص ۴۸۱؛ العک، ۱۴۱۴ق: ص ۱۱۷) اما دانشمندان شیعه با آن که معتقد به حجیت آراء صحابه در تفسیر قرآن و غیر آن نیستند (طوسی، بی تا: ج ۱، ص ۴؛ طباطبائی، ۱۳۵۳: ص ۴۴؛ علی الصغیر، ۱۴۲۰ق:

^۱ - نک. «فضائل فاطمة الزهراء» تالیف ابو حفص عمر بن احمد معروف به ابن شاهین (۳۸۵م).

^۲ - نک. «احمد بن حنبل، ۲۰۰۵م: ج ۶، ص ۲۸۳ با عنوان مسند فاطمة بنت رسول الله و نیز همین عنوان در الجامع الکبیر» (قسم الافعال) از سیوطی که مستقلاً نیز با عنوان مسند فاطمة الزهراء و ما ورد فی فضلها به تحقیق فوّ از احمد زمرلی به طبع رسیده است و مشتمل بر ۲۸۴ حدیث درباره حضرت فاطمه است.
^۳ - به گفته ابن حجر عسقلانی مناقب حضرت زهرا جداً بسیار زیاد است (همو، ۱۴۰۴ق: ج ۱۲، ص ۴۶۹) اما در این مقاله صرفاً به ذکر ده فضیلت از حضرت فاطمه(س) پرداخته شده که تعدادی ریشه مستقیم قرآنی داشته و تعدادی از نصوص رسول خدا(ص) درباره ایشان است.

صص ۶۶-۶۷؛ مهدوی راد، ۱۳۸۲: با عنوان حجیت مأثور از صحابه، جز آن که گزارش‌های صحابه را در اسباب نزول آیات و مواردی که مجالی جهت رأی و اجتهاد آنان نباشد، بلکه حکایت از مشاهدات آنان درباره چگونگی نزول آیات و تطبیق مفاد آن بر مصادیق کند، به دیده اعتبار نگریسته و در تفاسیر خود به آن استناد می‌کنند (معرفت، ۱۴۲۵ق: ص ۹۸) ناگفته نماند که از نظر شیعه پس از روایات پیامبر(ص) اعتبار شرعی با روایات اهل بیت(ع) است که از جهت مواهب علم الهی و عصمت متمایز از صحابه بوده و قول و فعل آنها مانند قول و فعل پیامبر(ص) حجیت دارد.^۱ با این توضیح به سراغ روایات تفسیری رفته و فضائل حضرت زهرا(س) را در تعداد محدودی از آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌دهیم.^۲

۱-۱-۲) کوثر رسالت، نسل پاینده

اولین موضوع درباره حضرت زهرا(س) در قرآن آن که، آن بزرگوار مصداق مشخص کوثر و عامل تداوم نسل پیامبر(ص) است. به طوری که مفسران در سبب نزول سوره کوثر نوشته‌اند، از آنجا که فرزندان ذکور رسول خدا(ص) در حیات آن بزرگوار از دنیا رفتند، برخی از مشرکان از جمله عاص بن وائل، ولید بن مغیره، ابوجهل، عقبه بن ابی معیط و ابولهب زبان به شماتت پیامبر(ص) گشوده، او را ابتر نامیدند (سیوطی، ۱۹۹۳م: ج ۶، ص ۴۰۳؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ص ۴۰۳ و اکثر تفاسیر ذیل سوره کوثر). خدای تبارک و تعالی در پاسخ به شماتت مشرکان خصوصاً «عاص بن وائل سهمی» سوره کوثر را به شرح: «بسم الله الرحمن الرحيم. انا اعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر ان شائتک هو الابر» نازل ساخت و ضمن اعلام بشارت به اعطای «کوثر» به رسول خدا(ص) دشمنان آن حضرت را «ابتر» یعنی بلا نسل و بلا عقب اعلام فرمود. اما

^۱ - در مورد حجیت قول و فعل امامان شیعه از جمله روایات تفسیری آنان دلایل مهمی در قرآن و روایات وجود دارد از جمله می‌توان به آیه ۷۹ سوره واقعه و آیه ۳۱ سوره احزاب اشاره کرد (طباطبائی، ۱۳۹۴: ج ۱۹، ص ۱۳۷). از جهت روایات نیز حدیث ثقلین که از جمله روایات متواتر و قطعی الصدور است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۳، ص ۱۶۶-۱۰۵؛ خوبی، ۱۴۰۸ق: ص ۴۹۹) بر حجیت قول و فعل اهل بیت(ع) دلالت می‌کند (تفضیل حجیت را نک. طباطبائی، ۱۳۵۳: ص ۵۳؛ معارف، ۱۳۸۲: ص ۲۳۲).

^۲ - جهت اطلاع بیشتر از آیاتی که در خصوص حضرت زهرا(س) نازل شده و یا حضرت فاطمه(س) یکی از مصادیق آن به شمار می‌رود نک. (حسینی شیرازی، ۱۴۱۱ق).

در این سوره کریمه مراد از «کوثر» چیست؟ با توجه به آنکه کوثر از نظر لغوی به معنای خیر کثیر است، (راغب، ۱۳۶۲: ص ۴۲۶) این کلمه مصادیق زیادی دارد که مفسران به آن اشاره کرده‌اند از جمله: قرآن، علم فراوان، نهری در بهشت، نبوت و پیامبری، ذریه و نسل، مقام شفاعت و... (ر.ک. زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۸۰۷؛ دمشقی، ۱۴۰۹: ج ۴، صص ۵۹۸-۵۹۶؛ آلوسی، ۱۴۰۵: ج ۳۰، صص ۲۴۶-۲۴۴؛ شوکانی، بی‌تا: ج ۵، ص ۵۰۲؛ مراغی، بی‌تا: ج ۱۰، صص ۲۵۲-۲۵۱) اما با توجه به سبب نزول سوره کوثر که در پاسخ شماتت‌کنندگان پیامبر(ص) به دلیل نداشتن فرزند ذکور نازل شده و نیز به دلیل تقابل «الکوثر» با «الابتر» که این کلمه دم بریدگی و قطع نسل و ریشه را افاده می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ص ۳۶)، معلوم می‌شود که مراد از «کوثر»، همان عامل بقای نسل و ذریه رسول خدا(ص) است که مصداق آن حضرت فاطمه زهرا(س) خواهد بود و به عبارت بهتر کوثر جز فاطمه زهرا(س) و فرزندانش مصداق دیگری ندارد و سایر معانی کوثر که مفسران به آن اشاره کرده‌اند مثل شفاعت، نهری در بهشت و حوض بهشت، خیر کثیر، کثرت اصحاب و کثرت امت همه از باب جری و انطباق است (عثمان محمد، ۱۴۱۰: ص ۱۷). با این اعتبار حسن و حسین علیهما السلام نیز فرزندان رسول خدا(ص) به شمار می‌آیند، چه در غیر این صورت علی‌رغم وجود فاطمه زهرا(س) باز رسول خدا(ص) موصوف به «ابتر» خواهد شد. این استدلالی است که علی(ع) در پاسخ نامه عمرو بن عاص کرده است. در این خصوص ابن ابی الحدید نوشته است: «عمرو بن عاص نامه‌ای به امیرالمومنین فرستاد که در آن مواردی را بر آن حضرت عیب گرفته بود. از جمله آن که امام (ع) حسن و حسین را دو فرزند رسول خدا(ص) می‌داند. پس امام به پیک عمرو بن عاص گفت: به شانی بن شانی بگو: اگر حسن و حسین فرزندان رسول خدا(ص) نبودند در این صورت پیامبر(ص) ابتر می‌بود. در حالی که خداوند ابتر بودن را از پیامبر(ص) نفی کرده و به دشمن او نسبت داده است، همانگونه که پدرت گمان می‌برد» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۲۰، ص ۳۳۴). از نظر مفسران شیعه مهم‌ترین مصداق کوثر همان وجود مبارک حضرت زهرا(س) است که عامل نسل پاینده رسول خدا(ص) است. طبرسی می‌نویسد: «گفته‌اند که کوثر عبارت از کثرت نسل و ذریه است. آری کثرت در نسل آن حضرت از فرزندان فاطمه(س) به گونه‌ای ظاهر گردید که به شمارش نیایند و امتداد

این نسل تا روز قیامت پابرجاست» (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۰، ص ۸۳۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۴ق: ج ۲۰، ص ۳۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۷، ص ۳۷۵؛ حسینی شیرازی، ۱۴۱۱ق: ص ۳۵۲).

بسیاری از مفسران اهل سنت نیز در تفسیر سوره کوثر یکی از مصادیق «کوثر» را فاطمه زهرا(س) دانسته‌اند. به عنوان نمونه فخر رازی از قول «سدی» نوشته است که «بین عرب مرسوم بود که اگر فرزند پسر کسی از دنیا رود به او ابتر می‌گفتند. چون فرزندان پیامبر(ص) در مکه موسوم به قاسم و عبدالله و نیز فرزند او به نام ابراهیم در مدینه درگذشتند، آنها گفتند که پیامبر ابتر است و جانشینی ندارد، اما خداوند با نزول این سوره مشخص کرد که دشمن پیامبر(ص) به این صفت موصوف بوده و نسل آن حضرت تا قیامت تداوم دارد» (فخررازی، ۱۴۱۳ق: ج ۳۲، ص ۱۳۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ج ۶، ص ۵۷۶؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۳۰، ص ۲۴۵؛ بیضاوی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۶۲۶). نکته مهم در تفسیر سوره کوثر آن که همه مفسرانی که در تفسیر «کوثر» به مصادیقی غیر از نسل و ذریه اشاره کرده‌اند، بلاغت قرآن کریم در تقابل «کوثر» و «الابتر» را در نظر نگرفته‌اند و از این جهت غفلت بزرگی مرتکب شده‌اند. علامه طباطبائی ضمن برشماری مصادیق کوثر از قول مفسران - که تا بیش از ۲۶ قول بالغ است - می‌نویسد: «به جز مصادیق نهی در بهشت و حوض پیامبر(ص) - که مستند به برخی از روایات است - باقی اقوالی که درباره کوثر گفته شده هیچ دلیلی ندارد به جز تحکم و بی‌دلیل حرف زدن. اما با در نظر گرفتن اینکه کلمه «ابتر» به معنای کسی است که نسل او منقطع شده و با در نظر گرفتن جمله نامبرده که از باب قصر قلب است، نتیجه‌گیری می‌شود که منظور از کوثر تنها و تنها کثرت ذریه است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته است یا مراد هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه. اگر مراد مسأله ذریه با استقلال یا به طور ضمنی نبود آوردن «ان شاتک هو الابتر» فایده‌ای نداشت. زیرا کلمه ان علاوه بر تأکید، تعلیل را هم می‌رساند و معنا ندارد که خداوند بفرماید ما به تو حوضی دادیم چون که بدگوی تو ابتر و بلانسل است» (طباطبائی، ۱۳۹۴ق: ج ۲۰، ص ۳۷۰).

اما از مفسران اهل سنت فخر رازی بیش از دیگران به این نکته بلاغی در سوره کوثر اشاره کرده و می‌نویسد: «کوثر به معنای فرزندان پیامبر(ص) است. گفته‌اند که این

سوره در مقام تخطئه کسی نازل گردید که آن حضرت را به جهت نداشتن (یا باقی نماندن) فرزندان مورد سرزنش قرار داد. لذا معنای آیه این می‌شود که: خداوند نسلی به پیامبر(ص) عطا فرماید که در طول قرون و اعصار پایدار خواهد بود. آری بنگر چقدر از اهل بیت کشته و شهید شدند، اما باز عالم از آنان مالا مال است در صورتی که از بنی‌امیه احدی که قابل توجه باشد باقی نماند و باز بنگر که در میان اهل بیت(ع) چه بزرگانی مانند حضرات باقر، صادق، کاظم، نفس زکیه و امثال آنان ظهور نمود» (فخر رازی، ۱۳: ۴۱۳ق: ج ۳۲، ص ۱۲۴).

۲-۱-۲) شاخص اهل بیت پیامبر(ص) با ویژگی عصمت و طهارت

آیه تطهیر با مفاد: «أما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً» (جز این نیست که خداوند اراده فرموده هر گونه زشتی و پلیدی را از شما اهل بیت بزدايد و از هر جهت پاکتان سازد) (احزاب، ۳۳) بر عصمت اهل بیت پیامبر(ص) دلالت دارد و حضرت زهرا(س) چهره شاخص در مصادیق اهل بیت(ع) است. به توضیح دیگر اسلوب آیه شریفه با توجه به حرف تأکید «أما»، بیان اراده الهی، ساختار افعال به صورت فعل مضارع که استمرار را می‌رساند، «ال» کلمه الرجس که مبین اطلاق است و بالآخره مفعول مطلق «تطهیراً» که خود از ادوات تأکید است، همگی دلالت بر اراده الهی بر نفی هرگونه رجس و پلیدی - آن هم رجس معنوی و غیرمادی - مانند شرک، کفر و گناه دارد^۱ و این موضوع بر همان عصمت الهی که عبارت از ملکه‌ای نفسانی است که انسان را از عقیده باطل و کارهای زشت برحذر می‌دارد، منطبق می‌گردد (ر.ک. طباطبائی، ۱۳۹۴ق: ج ۱۶، ص ۳۱۲). اما بر طبق روایات وارده در ذیل آیه، اهل بیت(ع) جز حضرت فاطمه(س)، علی، حسن و حسین علیهم السلام مصادیقی ندارند و با آن که آیه در وسط آیاتی قرار گرفته که درباره همسران پیامبر(ص) سخن می‌گوید، معهذا

۱- رجس در آیات قرآن به هر دو معنای مادی مانند: «...او لحم خنزیر فانه رجس» (انعام، ۱۴۵) و معنوی مانند آیات: «أما الذين في قلوبهم مرض فزادتهم رجساً الى رجسهم و ماتوا و هم كافرون» (توبه، ۱۲۵) و نیز «...كذلك يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون» (انعام، ۱۲۵) به کار رفته و در آیه تطهیر مراد از «رجس» پلیدی‌های معنوی و غیرمادی است. زیرا پاک شدن از آلودگی‌های ظاهری دنیا نیاز به اراده خاصی از جانب خدا ندارد و مومنان قادر به تحقق آن هستند.

طبق روایات صحیح که از طرق متعدد وارد شده، همسران پیامبر(ص) از شمول اهل بیت(ع) خارج شده‌اند. از جمله آن که ترمذی در سنن خود از عمرین ابی سلمه آورده است: آیه «انما یرید الله...» در خانه ام سلمه نازل گردید. در پی آن رسول خدا(ص) فاطمه، حسن و حسین را فراخوانده در جامه‌ای پوشاند و علی(ع) را در جامه‌ای دیگر. سپس فرمود: «اللهم هولاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً» ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا آیا من با ایشانم؟ اما رسول خدا(ص) فرمود: تو بر جای خود باش که فردی عاقبت بخیری» (ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، صص ۳۲۸، ۶۲۲ و ۶۵۷؛ ابن حنبل، ۲۰۰۵م: ج ۶، ص ۲۹۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، صص ۳۵۸-۳۵۷؛ دمشقی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۴۹۳؛ طبری، ۱۹۸۸م: ج ۱۲، ص ۶؛ سیوطی، ۱۹۹۳م: ج ۶، ص ۶۰۴؛ نیشابوری، ۱۳۷۴ق: ج ۴، ص ۱۸۸۳ از قول عایشه).

بر طبق یک تحقیق ۲۷ نفر از اصحاب پیامبر(ص) - که شماری از آنان همسران پیامبر(ص) هستند - نزول آیه تطهیر درباره حضرت فاطمه، علی، حسن، حسین علیهم السلام را شهادت داده‌اند (بشوی، ۱۳۸۶: صص ۹۱-۸۹). دانشمندان بسیاری از اهل سنت، حدیث یاد شده را در کتاب‌های خود آورده‌اند و بر صحت آن تصریح کرده‌اند (همان، صص ۹۵-۹۲). از جمله حدیث یاد شده از قول مسلم در کتاب صحیح او وارد شده که اهل سنت در اعتبار روایات آن تردیدی ندارند. ترمذی پس از نقل حدیث درباره آن نوشته است که «هذا حدیث حسن و هو احسن شیء روی فی هذا الباب» (ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۶۵۷ و نیز ۱۳۲۸) حاکم نیشابوری نیز پس از آوردن این حدیث در چند موضع از کتاب خود آن را صحیح الاسناد و نیز با ملاک‌های بخاری و مسلم صحیح دانسته است (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، صص ۳۵۸-۳۵۷).

آن چه در آیه تطهیر فاطمه زهرا(س) را در کانون اهل بیت(ع) قرار می‌دهد آن است که بر طبق روایات متعدد، پس از نزول آیه تطهیر رسول خدا(ص) به مدت شش یا نه ماه از کنار خانه حضرت فاطمه(س) عبور کرده و اهل خانه را با این تعبیر مورد خطاب قرار می‌داد که: «الصلاة، اهل البیت، انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» (ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۳۲۸؛ ابن حنبل، ۲۰۰۵م: ج ۳، ص ۲۸۵؛ دمشقی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۴۹۲) و مقصود رسول خدا(ص) آن بود که همگان متوجه

شوند که اهل بیت(ع) در آیه تطهیر جز حضرت فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام، مصادیق دیگری ندارد و تنها این گروه هستند که خداوند طهارت قلبی و پاکی آنان را از هرگونه شائبه نفسانی اراده فرموده است.

۳-۱-۲) مهرورزی با فاطمه، پاداش رسالت

به استناد آیه: «... قل لا اسألکم علیه اجرأ الا المودة فی القربی» (شوری، ۲۳) (بگو) در قبال رسالتم) پاداشی از شما نمی‌خواهم به جز دوست داشتن نزدیکانم) حضرت فاطمه(س) یکی از مصادیق «قربای» پیامبر است که مودت با او به عنوان پاداش رسالت پیامبر(ص) امری واجب و الزامی است و قابل توجه است که طبق آیه: «قل ما سالتکم من اجر فهو لکم ان اجری الا علی الله و هو علی کل شیء شهید» (سبا، ۴۷) نتیجه دوستی و مهرورزی با خویشان رسول خدا(ص) به خود انسان باز می‌گردد نه ضرورتاً رسول خدا(ص). اما مصداق «قربی» در آیه مودت چه کسانی هستند؟ در این باره اقوالی در بین مفسران اهل سنت وجود دارد؛ از جمله آن که مراد از قربی مطلق خویشاوندان پیامبر(ص) خصوصاً طایفه قریش است (دمشقی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ص ۱۲۱)؛ در صورتی که هر کس به تاریخ اسلام آشنا باشد، متوجه خواهد شد که قریش با آن سابقه‌ای که در اذیت و آزار پیامبر(ص) داشته، نمی‌تواند مصداق مناسبی جهت جلب مودت مسلمانان به عنوان مزد رسالت پیامبر(ص) باشد. این کثیر به عنوان یک نظر «قربی» را مصدر گرفته و آیه را چنین معنا کرده است: «بگو ای پیامبر من در قبال رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم، لکن به سبب قرابتی که بین من و شما وجود دارد، مرا آزار نکنید» (همان). این تفسیر نیز علاوه بر آن که خلاف ظاهر است با روایاتی که در معرفی مصادیق «قربی» وارد شده در تعارض است. از معروف‌ترین روایات وارده در این خصوص حدیث «ابن عباس» است که می‌گوید: چون آیه: «قل لا اسألکم علیه اجرأ الا المودة فی القربی» نازل شد، اصحاب گفتند: ای رسول خدا(ص) خویشان تو که خداوند محبت آنها را واجب فرموده چه کسانی هستند؟ پیامبر(ص) فرمود: «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام». (ر.ک. منابع گوناگون اهل سنت از جمله: سیوطی، ۱۹۹۳م: ج ۷، ص ۳۴۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۲۲۰؛ فخررازی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۷، ص ۱۶۷؛ حاکم

حسکانی، ۱۳۹۳ق: ج ۲، ص ۱۳۰؛ بیضاوی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۳۶۲؛ نسفی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ص ۱۵۴). زمخشری در ذیل آیه حدیث دیگری در لزوم دوستی آل محمد(ص) آورده که با این عبارت شروع می‌شود: «قال رسول الله (ص): من مات علی حب آل محمد مات شهیداً، الا من مات علی حب آل محمد مات مغفوراً له...» (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۲۲۰) و فخررازی پس از ذکر همین حدیث آورده است: «در عظمت آل محمد همین بس که اولاً: آنان - یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین - محبوب رسول خدا(ص) بوده و لذا دوستی آنان بر امت واجب است. ثانیاً: آنان در تشهد نماز در کنار رسول خدا(ص) مخصوص به ذکر و دعا شده‌اند که: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» که این نیز بر وجوب حب و دوستی آنان دلالت دارد (فخررازی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۷، ص ۱۶۶).

نکته دیگر درباره حدیث ابن عباس در معرفی مصادیق «ذی‌القربی» آن که این حدیث در منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت به طرق مختلفی وارد شده از جمله آن که حاکم حسکانی حدیث یاد شده را با هشت طریق ذیل آیه مودت آورده است (حاکم حسکانی، ۱۳۹۳ق: ج ۲، صص ۱۴۶-۱۳۰). طبق برخی از پژوهش‌ها (بشوی، ۱۳۸۶: صص ۱۸۰-۱۷۹) سند حدیث صحیح بوده و راویان آن موثقند؛ ضمناً آیه مودت و حدیث پیامبر(ص) در معرفی «ذی‌القربی» از مشهورترین نصوصی است که امامان شیعه مانند امیرمؤمنان (ع)، امام حسن مجتبی (ع) و امام زین‌العابدین (ع) در دفاع از حقوق اهل بیت (ع) در مقابل مخالفان خود از بنی امیه و غیره، به آن احتجاج کرده‌اند (ر.ک. آلوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۲۵، ص ۳۰؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق: صص ۷۹-۷۶ و نیز هاشمی، ۱۳۷۶: فصل یازدهم، فاطمه زهرا در آیه قریبی)

۴-۱-۲) همراهی با پیامبر(ص) در روز مباحله

جریان مباحله از حوادث مشهور تاریخ اسلام است که به موجب آن پیامبر اسلام(ص) با اهل بیت خود جهت «مباحله»^۱ در مقابل مسیحیان نجران قرار گرفت. قرآن در این خصوص خطاب به پیامبر می‌فرماید: «فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من

^۱ - مباحله در اصطلاح دینی به معنای نفرین کردن دو نفر به یکدیگر است. به این ترتیب که افرادی که درباره یک مسأله مهم مذهبی با هم گفت‌وگو دارند در یک جا جمع شوند و به درگاه خداوند تضرع کنند و از او بخواهند که دروغگو را رسوا سازد و مجازات کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۴۳۸).

العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءكم و نساءنا و نساءكم و انفسنا و انفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله على الكاذبين» (آل عمران، ۶۱). (پس هر کس درباره عیسی - بعد از علم و دانشی (که درباره عیسی) به تو رسید - با تو به محاجه برخیزد به آنان بگو! بیاید ما فرزندان خود را بخوانیم شما نیز فرزندان خود را، ما زنان خود را صدا زنیم شما نیز زنان خود را، ما نفس های خود را بخوانیم شما نیز نفس های خود را، آن گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم).

رسول خدا(ص) جهت انجام فرمان خداوند به مسیحیان پیشنهاد مباحله داد که مورد پذیرش آنان قرار گرفت و فردای آن روز جهت این کار تعیین گردید. در روز مقرر پیامبر(ص) همراه با حسن، حسین، علی و فاطمه زهرا علیهم السلام جهت مباحله حاضر شدند و رسول خدا(ص) به اهل بیت خود فرمود: هرگاه من دعا کردم شما آمین بگویید. اما اسقف نجران با مشاهده هیات ساده و ملکوتی پیامبر(ص) و چهره های معصومی که همراه آن بزرگوار بودند، به همراهان خود گفت: «من چهره هایی را می بینم که اگر از خداوند بخواهند که کوه را از جا برکنند، خدا این کار را خواهد کرد. ای نصاری با این مرد مباحله نکنید و گرنه هلاک می شوید و تا روز قیامت یک نفر نصرانی در روی زمین باقی نخواهند ماند...» (فخر رازی، ۱۴۱۳ق: ج ۸، ص ۸۹). در اینجا بود که مسیحیان از مباحله صرف نظر کرده و با رسول خدا(ص) مصالحه کردند.

به طوری که گذشت جریان مباحله از حوادث مشهور و بلکه قطعی تاریخ اسلام است که محدثان و مفسران غالباً به ذکر آن - همانگونه که گذشت - پرداخته اند. حاکم نیشابوری در خصوص این ماجرا ادعای تواتر کرده (حاکم نیشابوری، ۱۹۷۷م: ص ۵۰) و زمخشری این ماجرا را مهم ترین دلیل بر فضل و برتری اصحاب کسا یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می داند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۱۹۳؛ بیضاوی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۶۳؛ خازن، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۵۴؛ مراغی، بی تا: ج ۱، ص ۱۷۵؛ شوکانی، بی تا: ج ۱، ص ۳۴۷ از قول اکثر محدثان اهل سنت؛ نسفی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۲۴۳).

آن چه در جریان مباحله در ارتباط با حضرت زهرا(ع) قابل توجه است آن که طبق این آیه فاطمة زهرا(ص) مصداق «نساءنا» است و با آن که در زمان مباحله رسول

اکرم(ص) قطعاً همسران متعددی داشته‌اند، هیچکدام را به عنوان «نساءنا» با خود همراه نکرده‌اند؛ لذا در آیه مباحله دو شأن برای حضرت فاطمه(ص) به اثبات می‌رسد، نخست آن که حضرت زهرا(س) شاهد و گواه حقانیت پیامبر(ص) اسلام و اثبات رسالت آن حضرت است و این خود نمونه‌ای از همراهی حضرت فاطمه(س) با مقام رسالت است. دیگر آن که در صورت انجام مباحله، حضرت زهرا(س) به همراه پدر، همسر و فرزندان خود، قطعاً مستجاب الدعوه بوده‌اند که این خود جایگاه بلند آن حضرت را در نزد خدای تبارک و تعالی نشان می‌دهد. به این ترتیب حقیقت‌پوشی برخی از مورخان و مفسران اهل سنت از جمله ابن هشام در «السیرة النبویه» (ابن هشام، بی‌تا: ج ۲، صص ۲۳۳-۲۲۲) و ثعالبی در «الجواهر الحسان» (ثعالبی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، صص ۲۵۷-۲۵۶) که ضمن نقل ماجرای مباحله اشاره‌ای به همراهان پیامبر(ص) نکرده‌اند، ضرری به اصل حقیقت وارد نمی‌سازد. نیز تشکیک برخی از مفسران امروزی مانند رشید رضا و محمد عبده که جریان مباحله را- به نحوی که مورد ادعای شیعه است- مجعول داشته و مصادر روایات مباحله را شیعیان معرفی کرده‌اند، اعتباری ندارد (رشید رضا، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۲۲)؛ زیرا به طوری که گذشت کمتر واقعه‌ای مانند جریان مباحله است که از قرن سوم تا عصر حاضر کتب حدیث، تفسیر و تاریخ اهل سنت را به شکل گسترده در نوردیده باشد.

۵-۱-۲) نیکوکاری بزرگ

حضرت زهرا(س) طبق آیات قرآنی از مصادیق «ابرار» است. ابرار در عرف قرآن به کسانی اطلاق می‌شود که در صحنه عقیده و عمل به کمال رسیده و از گروه «صادقین» گردند که همراهی با آنان به همه مؤمنان توصیه شده است (نک. بقره، ۱۷۷؛ توبه، ۱۱۹). اما نیکوکاری حضرت فاطمه و علی(ع) به شرح زیر در قرآن گزارش شده است «انّ الابرار یشربون من کأس کان مزاجها کافوراً عیناً یشربُها عبادالله یفجرونها تفجیراً یوفون بالنذر و یخافون یوماً کان شره مستطیراً و یطمعون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمماً و اسیراً ائما نطمعکم لوجه الله لانرید منکم جزاءً و لاشکوراً» (انسان، ۹-۵) (به یقین ابرار از جامی می‌نوشتند که با عطر خوشی آمیخته است. از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشتند و از هر جا بنخواهند آن را جاری می‌سازند. آنها به نذر خود

وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است، می‌ترسند و غذای خود را با آن که به آن علاقه (و نیاز) دارند به مسکین، یتیم و اسیر می‌دهند (و می‌گویند) ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم).

بسیاری از مفسران ذیل آیات ذکر شده از قول ابن عباس نقل کرده‌اند که: این آیات در پی بیماری حسنین و در پی آن نذر حضرت علی و فاطمه (س) برای شفای آنان به مدت سه روز روزه^۱ و تصمیم به ایفای نذرشان - پس از شفای حسن و حسین - نازل گردید. طبق این روایات علی (ع)، فاطمه زهرا و کنیز آنان فضّه علیهم السلام در مقام انجام نذر خود سه روز متوالی را روزه گرفتند و هر روز به هنگام افطار با درخواست مستمندی - از فقیر، یتیم و اسیری - مواجه شده و افطاری خود را ایثار کردند و در پی این واقعه آیات ۵ الی ۲۲ سوره انسان نازل گردید (خازن، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۳۷۸؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ج ۶، ص ۴۱۲؛ فراء بغوی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۴۲۸؛ نسفی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ص ۴۶۶؛ فخررازی، ۱۴۱۳ق: ج ۳۰، ص ۲۴۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۶۷۰؛ شوکانی، بی تا: ج ۵، ص ۳۴۹؛ حاکم حسکانی، ۱۳۹۳ق: ج ۲، صص ۳۱۰-۲۲۹ در روایات گوناگون).

خدای متعال جهت تمجید از ایثار اهل بیت (ع) آیات ۵ تا ۲۲ از سوره انسان را نازل فرمود و با گزارش خود از این ماجرا آن را در تاریخ انسانیت جاودانه ساخت. طبق این آیات ایثار اهل بیت (ع) مورد پذیرش خدا قرار گرفت و مصونیت آنان از آتش جهنم و بهره‌مندی از نعمات بیکران الهی برایشان ضمانت گردید. ضمن آنکه به احترام بانوی دو عالم در مقام ذکر نعمت‌های بهشتی - که نصیب این نیکوکاران می‌شود - سخنی از حورالعین به میان نیامد و این خود از لطائف نظریه نزول آیات مورد بحث درباره نیکوکاران اهل بیت (ع) است (آلوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ص ۱۵۸).

۲-۲) روایات غیرتفسیری

مراد از روایات غیرتفسیری، فضائل و مناقبی است که رسول خدا (ص) دربارهٔ دخت گرامی خود به زبان آورده است. جدا از رابطهٔ عاطفی پدر و فرزندی بین پیامبر (ص) و فاطمه (س) - که فاطمه محبوب‌ترین شخص نزد رسول خدا (ص) بوده است - این

^۱ - این نذر با راهنمایی رسول خدا (ص) صورت پذیرفت (آلوسی، ۱۴۰۵ق: ذیل سوره انسان).

روایات بیانگر ویژگی‌های مهمی در شخصیت حضرت فاطمه(س) است. این ویژگی‌ها در جای خود متعدد و فراوان است (بیومی مهران، ۱۹۹۰م: ص ۱۵۳) که اهم آنها در چند مورد گزارش می‌شود.

۱-۲-۲) سروری بانوان دو عالم

حضرت فاطمه(س) برترین بانوی دو عالم است که دست خلقت آفریده است. این موضوع در روایات زیادی منعکس شده است از جمله آن که عایشه از پیامبر(ص) نقل می‌کند که آن حضرت خطاب به حضرت فاطمه زهرا(س) فرمود: «یا فاطمة الاترضین ان تكونی سيدة نساء العالمین و سيدة نساء هذه الامة و سيدة نساء العالمین»، (ای فاطمه آیا راضی نیستی که تو برترین بانوی زنان جهان و بانوی زنان این امت و بانوی زنان با ایمان باشی) (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۶). در برخی از روایات برتری فاطمه زهرا بر دیگر زنان موهبتی آسمانی تعبیر شده است؛ مثل این حدیث که «حذیفة بن یمان» نقل می‌کند که رسول خدا(ص) فرمود: فرشته‌ای از آسمان نازل گردید و از خدا اجازه طلبید که ارمغانی برای من آورد که کسی قبل از او نازل نکرده است. او به من بشارت داد که فاطمه سرور زنان بهشت است (همان، ج ۳، ص ۳۶۳).

فضیلت فاطمه زهرا(س) نسبت به دیگر زنان به مناسبت‌های مختلف وارد شده است. مهمترین آن روایاتی است که ارتباط با رحلت رسول خدا(ص) و متعاقب آن رحلت فاطمه زهرا(س) - به عنوان نخستین کسی که به پیامبر(ص) ملحق خواهد شد - دارد. در این خصوص ام سلمه و عایشه روایت کرده‌اند: «فاطمه زهرا(س) نزد رسول خدا(ص) آمد. پیامبر(ص) رازی با او در میان نهاد که در نتیجه فاطمه(س) گریست. سپس راز دیگری با آن حضرت در میان نهاد که وی خندید. من از این ماجرا پرسش نمودم. حضرت فاطمه(س) فرمود: نخستین بار رسول خدا(ص) به من اطلاع داد که او امسال از دنیا خواهد رفت و من با شنیدن آن گریستم و در نوبت دوم اطلاع داد که من نخستین کسی هستم که به او ملحق خواهم شد و به این جهت خندیدم (بخاری، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۸۳؛ نیشابوری، ۱۳۷۴ق: ج ۴، صص ۱۹۰۵-۱۹۰۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۱۹۰، ج ۸، ص ۲۲؛ جزری، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۴؛ ابن المغازلی، ۱۴۲۷ق: ص ۴۲۴؛ ابن حنبل، ۱۴۲۹ق: ص ۲۳۹؛ ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۶۵۷؛ ابن شاهین،

۱۴۱۲ق: ص ۵۹). در همین گفتگو بود که رسول خدا(ص) افضلیت حضرت فاطمه(س) را بر همه زنان عالم اعلام فرمود. عایشه همچنین می‌گوید: رسول خدا(ص) در آن بیماری که منجر به وفات ایشان گردید خطاب به حضرت فاطمه گفت: «آیا خشنود نیستی که سرور زنان بهشت یا سرور زنان عالمیان باشی» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۶).

در برخی از روایات افضلیت حضرت فاطمه(س) تحت الشعاع افضلیت حضرت مریم قرار گرفته است، مثل این حدیث که ابوسعید خدری از پیامبر(ص) روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «... فاطمة سيدة نساء اهل الجنة الا ما كان من مریم بنت عمران» (سیوطی، ۱۴۱۴ق: ص ۱۴۶، ح ۱۳۱) (فاطمه سرور زنان بهشتی است، جز مقامی که برای مریم دختر عمران وجود دارد). مبنای این دسته از روایات ظاهراً توجه به آیاتی است که مقام برگزیدگی حضرت مریم بر زنان عالم را مورد تأکید قرار می‌دهد (آل عمران، ۴۲). با این تصور که مراد از «عالمین» در آیه یاد شده مطلق قرون و اعصار باشد. غافل از آن که مطابق استعمال قرآن از کلمه «عالمین» که در موارد دیگر از جمله درباره بنی اسرائیل به کار رفته است (بقره، ۴۷ و ۱۲۲) مراد از این کلمه همان عصر و زمان حضرت مریم است نه زمان‌های دیگر. این موضوع ضمناً در روایات دیگری که درباره افضلیت حضرت فاطمه بر همه زنان وارد شده، مورد تصریح قرار گرفته است. از جمله عمران بن حصین نقل می‌کند که روزی فاطمه زهرا(س) بیمار بود. به اتفاق رسول خدا(ص) از آن بانو عیادت کردم. رسول خدا(ص) در ضمن صحبت فرمود: «... یا بنیة اما ترضین ان تکونی سيدة نساء العالمین» حضرت فاطمه(س) عرض کرد: ای پدر؛ کاش چنین باشد، اما مریم دختر عمران چه وضعی دارد؟ پیامبر(ص) فرمود: «دخترم او سرور زنان عصر خود بود و تو سرور زنان عالم خود هستی...» (ابن شاهین، ۱۴۱۲ق: ص ۶۴؛ ابن المغازلی، ۱۴۲۷ق: ص ۴۷۴) نیز در برخی از روایات، حضرت فاطمه(س) سرور زنان دو عالم، سرور زنان این امت و سرور زنان مؤمنین وصف شده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۶)، اما با توجه به گستردگی امت پیامبر(ص) و ابدی بودن دین آن سرور تا روز قیامت، افضلیت حضرت فاطمه(س) بر زنان دیگر به طور مطلق نتیجه‌گیری می‌شود (ر.ک. بیومی‌مهران، ۱۹۹۰ق: ص ۱۵۳؛ شرف الدین، ۱۳۸۳:

صص ۱۲۶-۱۰۷). نیز می‌توان در افضلیت حضرت فاطمه(س) حتی نسبت به حضرت مریم به تفاوت کیفیت تولد و نشو و نما و هر دو اشاره کرد. اگر در تربیت حضرت مریم زکریای پیامبر(ص) کفالت او را به عهده گرفت، (آل عمران، ۳۷) در تربیت حضرت فاطمه(س) به طوری که خواهد آمد، رسول خدا(ص) که افضل بشر و افضل پیامبران است ایفای نقش فرمود (ر.ک. هندای، ۱۴۲۳ق: ص ۱۲۰).

۲-۲-۲) محبوبیت حضرت زهرا(س) نزد پیامبر(ص)

رسول خدا(ص) حضرت فاطمه(س) را بسیار دوست داشت و این دوستی را بارها به زبان آورد؛ به طوری که در عشق و علاقه پیامبر(ص) به اطرافیان خود، کسی به پای حضرت زهرا(س) نمی‌رسید. عبدالله بن بریده از پدرش نقل می‌کند که محبوب‌ترین زن‌ها نزد رسول خدا(ص) فاطمه(س) و محبوب‌ترین مردان علی(ع) بود (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۵). این موضوع در روایات دیگر از عمر و عایشه هم نقل شده است (همان، صص ۳۶۷ و ۳۶۵). حتی حضرت فاطمه(س) نزد رسول خدا(ص) از علی(ع) نیز محبوب تر بوده است. در این خصوص علی(ع) خود گوید: من از رسول خدا(ص) پرسیدم که از بین ما دو نفر (یعنی من و فاطمه) کدامیک بیشتر مورد علاقه شما قرار داریم؟ حضرت پیامبر(ص) فرمود: «فاطمه نزد من دوست داشتنی‌تر از تو و تو نزد من عزیزتر از اویی» (جزری، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۴؛ ابن شاهین، ۱۴۱۲ق: ص ۸۴؛ شلبی، ۱۴۰۹ق: ص ۹ به نقل از نسایی، ۱۴۱۹ق: ص ۱۹۶، ح ۱۴۶) یکی از نشانه‌های این دوستی عمیق آن بود که چون رسول خدا(ص) قصد سفر می‌کرد، فاطمه زهرا(س) آخرین کسی بود که پیامبر(ص) از او خداحافظی می‌کرد و چون از سفر باز می‌گشت، حضرت فاطمه(س) نخستین کسی بود که پیامبر(ص) به دیدار او می‌شتافت و او را می‌بوسید (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۴؛ جزری، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۴؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق: صص ۴۹-۴۸؛ بیومی مهران، ۱۹۹۰م: ص ۱۵۸؛ هاشمی، ۱۳۷۶ق: صص ۳۳۹-۳۰۷) عایشه گوید: کسی را ندیدم که از جهت منطق و کلام به پیامبر(ص) شبیه‌تر از فاطمه(س) باشد. چون فاطمه(س) وارد بر رسول خدا(ص) می‌شد، آن حضرت برخاسته، بر او خوش آمد می‌گفت. وی را می‌بوسید و بر جای خود می‌نشاند (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۴). رسول گرامی اسلام به

جهت تأکید بر محبت خود نسبت به حضرت زهرا(س) مکرر اعلام می‌فرمود که: «فاطمة بضعة مني من أحبها فقد أحبني و من ابغضا فقد ابغضني» یا «انما فاطمة شحنة مني يسطني ما يسطها و يقبضني ما يقبضها» (همان؛ نک. هاشمی، ۱۳۷۶: ص ۳۱۲). این سخنان لزوم دوستی دیگران را هم نسبت به فاطمه زهرا(س) روشن می‌سازد. رسول خدا(ص) در مقام ابراز دوستی خود به آن حضرت می‌فرمود: «فداك ابي و امي» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۶) و نیز خطاب به حضرت زهرا(س) فرمود: «خداوند به غضب تو غضبناک و از خشنودی تو خشنود می‌گردد» (همان، ج ۳، ص ۳۶۴). به هر حال دوستی پیامبر(ص) نسبت به فاطمه(س) چنان علنی و مشخص بود که عمر نیز پس از رحلت پیامبر(ص) به حضرت زهرا عرض کرد: «ای فاطمه به خدا ندیدم کسی محبوب‌تر از تو نزد رسول خدا(ص) باشد و به خدا بعد از پدرت کسی هم نزد من دوست داشتنی‌تر از تو نیست...» (همان، ج ۳، ص ۳۶۵) و اتفاقاً حضرت زهرا(س) نیز در احتجاج خود نسبت به ابوبکر و عمر به دوستی پیامبر(ص) نسبت به او اشاره کرده و ناخشنودی خود را از آنان اعلام داشت.^۱

برخی از روایات اهل سنت شیطنتی مرتکب شده و سبب صدور حدیث: «ان فاطمة بضعة مني...» را تصمیم ازدواج علی(ع) با دختر ابوجهل دانسته‌اند؛ از جمله عبدالله بن زبیر که در دشمنی با علی(ع) و اهل بیت او شهره به سزا دارد و از مسیبان اصلی جنگ جمل علیه علی(ع) است، ادعا کرده است که: «در نوبتی علی(ع) یادی از دختر ابوجهل نمود (و تصمیم به خواستگاری از او گرفت) این مطلب به گوش پیامبر(ص) رسیده و فرمود: «انما فاطمة بضعة مني يؤذيني ما آذاها و ينصبي ما انصبها» (ابن شاهین، ۱۴۱۲ق: ص ۷۱) اما در دروغ بودن این حدیث همین بس که اولاً علی(ع) هرگز مرتکب خلاف شرع نشده و خصوصاً کاری بر خلاف نظر و رضایت رسول خدا(ص) انجام نداده است. ثانیاً به فرض آن که علی(ع) بر طبق احکام و ضوابط شرعی تعدد همسر اختیار می‌کرد، رسول خدا(ص) واکنش تند و غیرطبیعی از خود بروز نمی‌داد (نک. سجادی، ۱۳۸۲: شماره ۷۴، صص ۱۵۲-۱۳۹؛ مکی، ۱۴۲۴ق: صص ۲۴۸-۲۴۷ پاورقی نقد روایات ادعای ازدواج علی(ع) با دختر ابوجهل).

^۱ - تفصیل را نک: معاش، ۱۴۲۴ق: ص ۱۴۹ به نقل از «الامامة و السياسة» ابن قتیبہ دینوری

اما فلسفه دوستی شدید پیامبر(ص) با فاطمه زهرا(س) و علی(ع) چه بود که رسول خدا(ص) به عنوان نقطه اوج این دوستی خطاب به آنان فرمود: «انا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم» (ابن المغازلی، ۱۴۲۷ق: ص ۱۲۷؛ جزری، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۵؛ ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۶۵۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۵۹). جز این است که فاطمه(س) و علی(ع) به جهت شخصیت ایمانی و اعتقادی خود مورد توجه پیامبر(ص) قرار گرفتند و در واقع اشتراک فکری آنان با پیامبر(ص) سبب اتصال روحی و معنوی ویژه‌ای گردید و گر نه شأن پیامبر(ص) بالاتر از آن است که به صرف احساس پدر، فرزندی رابطه‌ای عاطفی با دختر خود برقرار کرده و همگان را نیز به چنین دوستی و محبت فرا بخواند.

۳-۲-۲) تربیت حضرت زهرا در دامان پیامبر(ص)

قبلاً اشاره گردید که پس از تولد حضرت مریم خداوند زکریا را به عنوان کفیل او معین کرده و مسئول تربیت وی قرار داد. از آن جهت که تقدیر خداوند آن بود که حضرت مریم مادر عیسی گردد، حال باید گفت که بنابر همان تقدیر الهی مقدر بود که حضرت فاطمه(س) کوثر رسول خدا(ص)، همسر ولی خدا و مادر دوازده نسل پاک از حجت‌های خدا گردد، لذا در پرورش چنین وجود شریفی نظارت و مراقبت ویژه‌ای حتی از قبل از تولد آن حضرت معمول گشت. حاکم از سعدبن مالک روایت می‌کند که وی گفت: رسول خدا(ص) فرمود: «در شب معراج جبرئیل سیبی از بهشت به من تعارف کرد که آن را خوردم و پس از آن خدیجه به فاطمه(س) باردار شد. لذا هرگاه مشتاق بهشت می‌شوم بوی آن را از فاطمه(س) استشمام می‌کنم» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۶؛ هاشمی، ۱۳۷۶ق: صص ۴۹-۳۹).

اما چرا پس از تولد حضرت فاطمه(س)، وی به این نام موسوم گردید؟ روایات متعددی وجود دارد که آن حضرت را به دلیل پاکی و طهارت، نجات یافته از آتش معرفی می‌کند؛ مانند این حدیث پیامبر(ص): «ان فاطمة احصنت فرجها فحرم الله ذریتها من النار» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۳). رسول خدا(ص) در مسیر تربیت حضرت زهرا(س) صفات و ابعاد انسانی و معنوی را در وجود او مستقر ساخت. خصوصاً وی را با زهد و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا آشنا ساخت؛ به گونه‌ای که با

مشکلات زندگانی دست و پنجه نرم کند و از دنیا جز به قصد حاجت توشه نگیرد. ثویان نقل می‌کند که من با رسول خدا(ص) به دیدار فاطمه رفتم. آن حضرت گردنبندی از طلا به گردن داشت. با دیدن رسول خدا(ص) عرض کرد: این را ابوالحسن(علی) به من هدیه کرده است. رسول خدا(ص) فرمود: آیا خرسند می‌شوی که مردم تو را فاطمه دختر رسول خدا(ص) بشناسند، اما زنجیری از آتش بر دستان تو باشد؟ سپس آن حضرت برخاست و از خانه حضرت فاطمه(س) خارج گردید. پس از خروج رسول خدا(ص) فاطمه(س) زنجیر را فروخت و با پول آن غلامی را آزاد نمود. این مطلب به گوش حضرت پیامبر(ص) رسید و فرمود: «سپاس پروردگاری که فاطمه(س) را از آتش رهانید» (همان، ج ۳، صص ۳۶۳-۳۶۲). در این خصوص پیام رسول خدا(ص) به نزدیکان خود مانند صفیه و فاطمه زهرا(س) آن بود که باید خود مراقب اعمال‌شان باشند و صرفاً به امید شفاعت پیامبر(ص) ننشینند؛ لذا فرمود: «یا صفیه بنت عبدالمطلب، یا فاطمة بنت محمد عملاً فانی لاغنی عنکما من الله شیئاً» (سیوطی، ۱۴۱۴ق: ص ۸۹). به موازات چنین پرورش در بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی، رسول خدا(ص) روح و روان فاطمه(س) را با ذکر و یاد خدا ورزیده ساخت. به همین جهت در نوبتی که آن حضرت از سختی زندگانی اندکی شکایت کرد، رسول خدا(ص) به عوض مساعدت مادی، تسییحات معروف شامل ۳۳ مرتبه سبحان الله، ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۴ مرتبه الله اکبر را به او یاد داد (معاش، ۱۴۲۴ق: ص ۶۳) و مخصوصاً به او و حضرت علی سفارش کرد که هر شب قبل از خواب آن را بگویند. علی(ع) گوید: به خدا قسم از زمانی که رسول خدا(ص) این ذکر را به ما تعلیم فرمود، یک شب هم آن را ترک نکردم. راوی حدیث «عبدالرحمن بن ابی لیلی» گوید: من به خاطر گذشت که آیا علی(ع) شب صفین هم آن ذکر را ترک نکرد، که علی(ع) به من گفت: حتی شب صفین هم این ذکر را ترک نکردم (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۲). از همین روست که بعدها امام صادق(ع) تسییحات فاطمه(س) را از مصادیق ذکر کثیر اعلام نموده و شیعیان را بر مداومت بر آن ترغیب فرمود^۱.

^۱ - زرارة بن اعین از امام صادق(ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «تسییح فاطمة الزهراء من الذكر الكثير الذي قال الله عزوجل: «ذکروا الله ذکراً کثیراً» (نک. کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۵۰۰).

۴-۲-۲) حق طلبی زهرا(س) در دفاع از رسالت و ولایت

قبلاً گذشت که برخی از روایات، حضرت فاطمه(س) را شبیه‌ترین مردم به رسول خدا(ص) وصف کرده‌اند؛ آیا این شباهت در صفات ظاهری مانند رنگ، قیافه و سایر مشخصات ظاهری بوده است؟ که قطعاً چنین نیست. بلکه مراد از این شباهت، اشتراک در صفات انسانی و خصوصیات ایمانی مانند راستگویی، ترس از خدا، شوق به عبادت، داشتن تعهد انسانی و مسئولیت‌پذیری بوده است. یکی از وجوه شباهت حضرت فاطمه(س) با رسول خدا(ص) به مجاهدت‌های حضرت زهرا(س) در دفاع از حق و حقیقت بازمی‌گردد که این موضوع در دوره‌های مختلف زندگانی آن حضرت جلوه‌گر است؛ به طوری که می‌توان نمونه‌هایی از این مجاهدت‌ها را در دوران رسالت و پس از آن برشمرد.

۴-۲-۴-۱) حق طلبی در دوران رسالت

در این دوران- به ویژه پس از وفات حضرت خدیجه- حضرت زهرا(س) مراقب پدر بزرگوارش بوده و در شناخت توطئه‌های دشمنان و خنثی کردن آنها تلاش می‌نمود. آن حضرت خود نقل می‌کند که: «در نوبتی مشرکان قریش در حجر اسماعیل گردآمده و با هم قرار گذاشتند که با آمدن محمد(ص) هر کدام ضربه‌ای به او وارد ساخته و حضرت را از بین ببرند. حضرت فاطمه(س) از ماجرا خبردار شده و به پدر وارد گردید و عرض کرد: ای پدر مشرکان قریش علیه شما در حجر جمع شده‌اند. رسول خدا(ص) فرمود: دخترم تو در خانه باش، سپس خارج شد و به مسجدالحرام رفت و مشرکان با دیدن رسول خدا(ص) سرهای خود را به زیر افکندند. رسول خدا(ص) مشت‌ریگ به سوی آنان پرتاب کرده، فرمود: رویتان سیاه باد. راوی گوید: به احدی از آنان از آن ریگ اصابت نکرد مگر آن که در جنگ بدر هلاک گردید» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۷).

طبق شواهد دیگر آن‌گاه که مشرکان صدماتی متوجه رسول خدا(ص) می‌کردند، حضرت فاطمه(س) با دست‌ان کوچک خود خاک‌ها و حتی خون را از چهره مبارک پدر می‌زدود(ابن سعد، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۳۶؛ شلبی، ۱۴۰۹ق: ص ۱۱ و ۲۲۱ به نقل از ابن حنبل). حضرت زهرا(س) به همین ترتیب در شعب ابی طالب همراه پدر بوده و در

مشکلات این دوره از رسالت، شریک رسول خدا(ص) گردید. در سن ۸ سالگی در شمار مهاجران قرار گرفت، در بسیاری از جنگ‌ها از جمله جنگ بدر و احد حضور یافته به یاری مجروحان شتافت^۱ و نهایتاً در دفاع از رسالت خصوصاً مراقبت از پدر بزرگوارش چنان تلاشی از خود به نمایش گذاشت که مفتخر به دریافت کنیه «ام اییها» گردید (نک: هندای، ۱۴۲۳ق: صص ۴۰-۳۳؛ مکی، ۱۴۲۴ق: ص ۲۳).

۲-۴-۲) حق طلبی زهرا(س) پس از رسول خدا(ص)

پس از رحلت رسول خدا(ص) دوران سختی برای حضرت فاطمه(س) فرا رسید. از دست دادن پدر از یک طرف و وقوع ظلم‌هایی به او و علی(ع) از طرف دیگر، فشارهای متعددی را متوجه زهرا(س) ساخت. معهذ آن حضرت دمی از حق طلبی جهت احقاق حقوق مادی و معنوی خویش خصوصاً دفاع از حریم ولایت دست نکشید. روایات متعددی وارد شده که آن حضرت به دلیل غصب فدک، نسبت به ابوبکر غضبناک شده و از او فاصله گرفت و از تکلم با خلیفه خودداری می‌کرد تا آن که از دنیا رفت (بخاری، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۲۵۲؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق: ص ۸۶). ابن اثیر در کتاب «منال الطالب» تصریح می‌کند که حضرت زهرا(س) جهت تظلم نسبت به ابوبکر دو خطبه ایراد نمود. یکی از خطبه‌ها به روایت زینب دختر علی(ع) چنین آغاز می‌شود: «ثم قالت انا فاطمة و ابی محمد اقولها عوداً علی بدء...» (نک: غیب غلامی، ۱۳۷۵: صص ۷۵-۶۸ به نقل از منال الطالب و مراجع دیگر)

و نیز در جمع مهاجران و انصار، چنان خطابه‌ای القا فرمود که همگان به گریه افتادند. آن حضرت پس از حمد و ثنای الهی با این عبارات که: «الحمد لله علی ما انعم و له الشکر علی ما اهتم و الثناء بما قدّم من عموم نعم ابتداءها و...» خطبه‌ای غرّاً ایراد فرمود. در قسمتی از این خطبه شخص خلیفه را مورد خطاب قرار داده و فرمود: «ای پسر ابی قحافه آیا در کتاب خدا وارد شده است که تو می‌توانی از پدر خود ارث ببری و من نمی‌توانم، قطعاً سخنی افترا گونه گفته‌ای. آیا به عمد کتاب خدا را ترک کرده و دستورات آن را پشت گوش انداخته‌اید که می‌فرماید: «و ورث سلیمان داود» یا حضرت

^۱ - ابن سعد در کتاب «الطبقات الکبری» به تفضیل مراقبت حضرت زهرا(س) و علی(ع) از پیامبر(ص) را- خصوصاً در بستن جراحات آن حضرت- گزارش کرده است (ابن سعد، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۳۷).

زکریا از خداوند فرزندی طلبید که از او و آل یعقوب ارث برد؟ و...» (نک: معاش، ۱۴۲۴ق: ص ۱۳۷؛ بیومی مهران، ۱۹۹۰م: ص ۱۳۹).

همچنین جهت دفاع از حریم ولایت آن حضرت، شبها با انصار ملاقات کرده و اخبار بیعت مردم با علی(ع) را (در غدیر خم) بازگو می کرد. انصار می گفتند: اگر قبل از بیعت با ابوبکر می دانستیم از بیعت با او خودداری می کردیم. علی(ع) می فرمود: آیا توقع داشتید که بدن رسول خدا(ص) را بر زمین گذاشته و دعوی خلافت راه اندازیم؟ و حضرت زهرا(س) در تأیید علی(ع) می فرمود که: ابوالحسن جز همان کاری که شایسته بود کاری انجام نداد و این قوم هم کاری انجام دادند که خدا به حساب آنان خواهد رسید (بیومی مهران، ۱۹۹۰م: ص ۱۳۵).

به هر حال مظاهر حق خواهی حضرت فاطمه(س) فراوان تر از آن است که در جملات و عبارات محدودی بیان گردد. بلکه این مقال خود تحقیق و مجال وسیع تری را می طلبد که امید است توفیق آن فراهم آید.

۵-۲-۲) شکوه و جلال فاطمه(س) در قیامت

روایات متعددی در دست است که از شکوه و جلال حضرت فاطمه(س) در قیامت خبر می دهد. این روایات از طرفی بیانگر مقام و منزلت حضرت فاطمه(س) نزد خداوند است، از طرف دیگر قدرت معنوی آن حضرت را در مقابل آحاد خلایق در روز محشر نشان می دهد به ویژه آن که با وجود حضرت زهرا(س) نوعی صف بندی بین محبان و مبغضان آن بزرگوار نیز به وجود می آید. محب الدین طبری از ابویوب انصاری آورده است که رسول خدا(ص) فرمود: «زمانی که قیامت برپا می شود منادی از عرش خداوند ندا می کند که: ای اهل محشر سرهای خود را فرو بیاورید و چشمها را ببندید که فاطمه دختر محمد(ص) بر صراط می گذرد. پس فاطمه در حالی که هفتاد هزار کنیز از حورالعین او را همراهی می کنند، مثل برق درخشنده از صراط عبور می کنند» (هاشمی، ۱۳۷۶: ص ۲۶۱ به نقل از ذخائرالعقبی، الصواعق المحرقة، نورالابصار و...).

حدیث یاد شده با تعبیر متفاوت اما مضمون کاملاً یکسان در مدارک معتبر اهل سنت وارد شده است. حاکم نیشابوری این حدیث را از قول علی(ع) و او از

پیامبر(ص) چنین نقل کرده که: «اذا كان يوم القيامة قيل يا اهل الجمع غضوا ابصاركم و تمرّ فاطمة بنت رسول الله(ص) فتمر و عليها ريطتان خضراوان» وی سپس توضیح می دهد که این حدیث «صحیح الاسناد» است؛ اما بخاری و مسلم از ذکر آن خودداری کرده اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۷۱ و نیز نک: ابن المغازلی، ۱۴۲۷ق: صص ۴۲۰-۴۱۸؛ جزری؛ ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۵؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق: صص ۱۲۹، ۱۳۱ و ۱۳۵؛ نیز نک: بیومی مهران، ۱۹۹۰م: ص ۱۵۹) اما فلسفه این شکوه و جلال چیست که در روز قیامت تجلی پیدا می کند؟ در برخی از روایات آمده است که در آن روز حضرت فاطمه(س) در حالی که پیراهن آغشته به خون فرزندش حسین بن علی(ع) را به دست دارد خدای جبار را به داوری و قضاوت بین او و قاتلان فرزندش فرا می خواند و نیز از خداوند شفاعت دوستداران و گریه کنندگان بر حسین(ع) را طلب می کند (هاشمی، ۱۳۷۶: ص ۲۶۲ به نقل از منابع متعدد از جمله اسد الغابه، کفایة الطالب، میزان الاعتدال و ...). نیز مطابق این روایات همگان تأویل این سخن پیامبر(ص) را که خطاب به فاطمه(س) فرمود: «ان الله يغضب لغضبك و يرضى لرضاك» (سیوطی، ۱۴۱۴ق: ص ۱۷۶)، به عیان خواهند دید. در این روایات همچنین بر همراهی فاطمه زهرا(س) در ورود به بهشت با رسول خدا(ص)، علی و حسنین - به عنوان نخستین بهشتیان - تأکید شده و برخی نیز حاوی بشارت برای شیعیان است. در حدیثی علی(ع) نقل می کند که رسول خدا(ص) به من خبر داد که نخستین کسانی که به بهشت پا می گذارند من، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) خواهیم بود. من گفتم: پس تکلیف دوست داران ما چه می شود و حضرت فرمود: آنان به دنبال شما خواهند بود (همان، صص ۱۶۷؛ ۱۱۸) و نیز علی(ع) از رسول خدا(ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود: در بهشت درجه ای است که در آن «وسیله» صدا زده می شود و آن گاه که از خدا دعا و مسئلت می کنید به واسطه من «وسیله» را طلب کنید. اصحاب سؤال کردند که یا رسول خدا(ص) چه کسانی با تو (و در آن درجه همراه شما) هستند و حضرت فرمود: «علی، فاطمه، حسن و حسین» (همان، ص ۱۶۷ به رقم ۱۶۸).

۳) نتیجه گیری

۱- سیمای حضرت زهرا(س) از طریق تحلیل آیات قرآن و بهره‌گیری از روایات تفسیری و غیرتفسیری که در منابع معتبر حدیثی، تفسیری، سیره و تاریخ اهل سنت وارد شده، به نحو جامع قابل بررسی و شناخت است.

۲- براساس آیات قرآن و روایات پیامبر(ص)، فاطمه زهرا(س) از جهات گوناگون از جمله: اراده الهی در چگونگی خلقت وی، برخورداری از تربیت مستقیم پیامبر(ص)، توفیق همسری با علی(ع) و در نتیجه بقای نسل پیامبر به واسطه او، رسیدن به مقام «ام ابیها»- که بیانگر همراهی با پیامبر(ص) است- برخورداری از شرافت مادری نسبت به حجت‌های الهی و ...، شخصیتی برگزیده و مؤید به توفیق الهی بوده است.

۳- حضرت زهرا(س) محور اهل بیت پیامبر(ص)، محبوب‌ترین انسان نزد رسول خدا(ص)، سرور بانوان دو عالم، معصوم از هر لغزش و خطا، معیاری در تجلی رضا و خشم الهی، تجسم تقوی و معنویت، الگوی شایسته‌ای جهت کمال انسان در دنیا و وسیله‌ای مشفق برای شفاعت و نجات مومنان در عالم آخرت به شمار می‌رود.

فهرست منابع

- ﴿ قرآن كريم ﴾
- ﴿ ابن ابى الحديد، عزالدين: «شرح نهج البلاغه»، بيروت، داراحياء الكتب العربيه، ١٣٧٨ق.
- ﴿ ابن المغازلي، على بن محمد جلّابى: «مناقب اهل البيت»، تهران، المجمع العالمى لتقريب بين المذاهب الاسلاميه، ١٤٢٧ق.
- ﴿ ابن حنبل، احمد: «المسند»، بيروت، بيت الافكار الدوليه، ٢٠٠٥م.
- ﴿ ابن حنبل، احمد: «فضائل اهل البيت من...»، به تحقيق محمد كاظم محمودى، تهران، انتشارات مجمع التقريب المذاهب، ١٤٢٩ق.
- ﴿ ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع: «الطبقات الكبرى»، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٧ق.
- ﴿ ابن شاهين، ابوحفص عمر بن احمد: «فضائل فاطمة الزهراء»، بيروت، دارالكتاب الاسلامى، ١٤١٢ق.
- ﴿ ابن هشام، محمد: «السيرة النبويه»، بيروت، دارالقلم، بى تا.
- ﴿ آلوسى، سيد محمود: «روح المعانى فى تفسير القرآن و السبع المثاني»، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ق.
- ﴿ بخارى، محمد بن اسماعيل: «الصحيح»، بيروت، دارلقلم، ١٤٠٧ق.
- ﴿ بشوى، محمد يعقوب: «شخصيت حضرت زهرا(س) در قرآن از منظر اهل سنت»، بوستان كتاب، ١٣٨٦.
- ﴿ بيضاوى، ابوسعيد عبدالله بن عمر: «انوارالتنزيل و اسرارالتاويل»، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ق.
- ﴿ بيومى مهران، محمد: «السيدة فاطمة الزهراء»، بيروت، دارالنهضة العربيه، ١٩٩٠م.
- ﴿ ترمذى، محمد بن عيسى: «السنن»، به تحقيق احمد محمد شاکر، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ق.
- ﴿ ثعالبي، عبدالرحمن بن خلوف: «الجواهر الحسان»، بيروت، المكتب العصريه، ١٤١٧ق.
- ﴿ جزرى، عزالدين ابن اثير: «اسد الغابة فى معرفة الصحابه»، بيروت، دارالكفر، ١٤٠٩ق.
- ﴿ حاكم حسانى، عبيدالله بن عبدالله: «شواهد التنزيل لقواعد التفضيل فى...»، بيروت، مؤسسة الاعلمى، ١٣٩٣ق.

- ◀ حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله: «المستدرک على الصحیحین»، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۲ق.
- ◀ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله: «معرفة علوم الحديث»، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۷م.
- ◀ حسینی شیرازی، سید صادق: «فاطمة الزهراء في القرآن»، بیروت، مؤسسة الفكر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- ◀ خازن، علاءالدين على بن محمد «لباب التأويل»، (مشهور به تفسير خازن)، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ◀ خوئی، سید ابوالقاسم: «البيان في تفسير القرآن»، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۸ق.
- ◀ دمشقی، اسماعیل بن کثیر: «تفسير القرآن العظيم»، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۹ق.
- ◀ راغب اصفهانی، حسین بن محمد: «المفردات في غريب القرآن»، انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۲.
- ◀ رشید رضا، سید محمد و شیخ محمد عبده: «تفسير القرآن الحكيم»، مشهور به تفسير المنار، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ◀ زرقانی، محمد عبدالعظیم: «مناهل العرفان في علوم القرآن»، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ◀ زرکشى، بدرالدين محمد بن عبدالله: «البرهان في علوم القرآن»، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۱ق.
- ◀ زمخشري، محمود بن عمر: «الكشاف عن...»، بیروت، دارالكتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ◀ سجادی، رضیه سادات: «تقد اخبار ازدواج مجدد امام علی (ع) در زمان پیامبر»، مقالات و بررسیها، شماره ۷۴، ۱۳۸۲.
- ◀ سیوطی، جلال الدین: «الدر المنثور في التفسير بالمأثور»، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۳م.
- ◀ سیوطی، جلال الدین: «مسند فاطمه الزهرا و ماورد فی فضلها»، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۴ق.
- ◀ شرف الدین، سید عبدالحسین: «سخنی شیوا در برتری حضرت زهراء»، به ترجمه محمد رضا مهری، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۸۳.
- ◀ شلبی، محمود: «حياة فاطمه عليها السلام»، بیروت، دارالجيل، ۱۴۰۹ق.
- ◀ شوکانی، محمد بن علی: «فتح القدير الجامع...»، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- ◀ طباطبائی، سید محمد حسین: «الميزان في تفسير القرآن»، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۴ق.
- ◀ طباطبائی، سید محمد حسین: «قرآن در اسلام»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.

- ◀ طبرسي، فضل بن حسن: «مجمع البيان لعلوم القرآن»، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٨ق.
- ◀ طبرى، محمد بن جرير: «جامع البيان عن تأويل آى القرآن»، بيروت، دارالمعرفة، ١٩٨٨م.
- ◀ طوسى، محمد بن حسن: «التبيان الجامع لعلوم القرآن»، بيروت، داراحياء التراث العربى، بى تا.
- ◀ عثمان محمد، عبدالزهرا: «الزهراء فاطمة بنت محمد»، بيروت، دارالفردوس، ج ٢، ١٤١٠ق.
- ◀ عسقلانى، ابن حجر: احمد بن على: «تهذيب التهذيب»، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٤ق.
- ◀ العك، خالد بن عبدالرحمن: «اصول التفسير و قواعده»، بيروت، دارالفنائه، ١٤١٤ق.
- ◀ على الصغير، محمد حسين: «المبادئ العامة لتفسير القرآن الكريم»، بيروت، دارالمورخ العربى، ١٤٢٠ق.
- ◀ غيب غلامى، حسين: «احراق بيت فاطمة فى الكتب المعترية عند اهل السنة»، بى جا، مطبعة الهادى، ١٣٧٥.
- ◀ فخر رازى، محمد بن عمر: «مفاتيح الغيب»، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٣ق.
- ◀ فراء بغوى، حسين بن مسعود: «معالم التنزيل»، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٥ق.
- ◀ كلينى، محمد بن يعقوب: «الكافي»، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٣.
- ◀ مجلسى، محمد باقر: «بجارات انوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار»، بيروت، مؤسسة الوفا، ١٤٠٣ق.
- ◀ مراغى، احمد مصطفى: «تفسير المراغى»، بيروت، دارالفكر، بى تا.
- ◀ معارف، مجيد: «مباحثى در تاريخ و علوم قرآنى»، تهران، انتشارات نأ، ١٣٨٢.
- ◀ معاش، كمال: «فاطمة بين النبوة و الامامه»، بيروت، دارالعلوم، ١٤٢٤ق.
- ◀ معرفت، محمد هادى: «التفسير الاثرى الجامع»، قم، مؤسسة التمهيد، ١٤٢٥ق.
- ◀ مكارم شيرازى و همكاران: «تفسير نمونه»، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧٤.
- ◀ مكى، سيد ساجد: «خصائص الزهراء»، بيروت، دارالولاء، ١٤٢٤ق.
- ◀ مهدوى راد، محمد على: «آفاق تفسير»، تهران، نشر هستى نما، ١٣٨٢.
- ◀ نساى، احمد بن شعيب: «خصائص اميرالمومنين...»، قم، دارالتقليد، ١٤١٩ق.
- ◀ نسفى، عبدالله بن احمد، «مدارك التنزيل و حقايق التأويل»، بيروت، دارالفنائه، ١٤١٦ق.
- ◀ نيشابورى، محمد بن مسلم: «الجامع الصحيح»، به تصحيح فواد عبدالباقى، بيروت، بى نا، ١٣٧٤ق.
- ◀ نيشابورى، نظام الدين: «غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٦ق.

- ◀ هاشمی، سید مهدی: «فاطمه زهرا در کلام اهل سنت»، قم، انتشارات حر، ۱۳۷۶.
- ◀ هندای، شیخ محمد: «فاطمة الزهراء شخصيتها، ظلامتها»، بیروت، مؤسسة العارف للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.